

مشارکت هفتگی نوجوانان

هفته دوم

عیسی مشارکت میکند

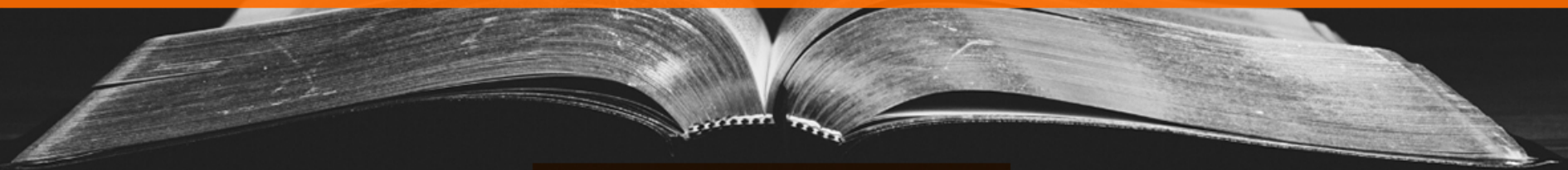
در همان روز، دو تن از آنان به دهکده‌ای می‌رفتند، عمائوس نام، واقع در دو فرسنگی اورشلیم. ایشان دربارهٔ همهٔ وقایعی که رخ داده بود، با یکدیگر گفتگو می‌کردند. همچنان که سرگرم بحث و گفتگو بودند، عیسی، خود، نزد آنها آمد و با ایشان همراه شد. اما او را نشناختند زیرا چشمان ایشان بسته شده بود. از آنها پرسید: «در راه، دربارهٔ چه گفتگو می‌کنید؟» آنها با چهره‌هایی اندوهگین، خاموش ایستادند. آنگاه یکی از ایشان که کِلِئوپاس نام داشت، در پاسخ گفت: «آیا تو تنها شخص غریب در اورشلیمی که از آنچه در این روزها واقع شده بی‌خبری؟» پرسید: «چه چیزی؟» گفتند: «آنچه بر عیسی ناصری گذشت. او پیامبری بود که در پیشگاه خدا و نزد همهٔ مردم، کلام و اعمال پر قدرتی داشت.»

لوقا ۲۴: ۱۳-۱۹



سران کاهنان و بزرگان ما او را سپردند تا به مرگ محکوم شود و بر صلیبش کشیدند. اما ما امید داشتیم او همان باشد که می‌بایست اسرائیل را رهایی بخشد. افزون بر این، به‌واقع اکنون سه روز از این وقایع گذشته است. برخی از زنان نیز که در میان ما هستند، ما را به حیرت افکنده اند. آنان امروز صبح زود به مقبره رفتند، اما پیکر او را نیافتند. آنگاه آمده، به ما گفتند فرشتگانی را در رؤیا دیده‌اند که به ایشان گفته‌اند او زنده است. برخی از دوستان ما به مقبره رفتند و اوضاع را همان‌گونه که زنان نقل کرده بودند، یافتند، اما او را ندیدند.» آنگاه به ایشان گفت: «ای بی‌خردان که دلی دیرفهم برای باور کردن گفته‌های انبیا دارید! آیا نمی‌بایست مسیح این رنجها را ببیند و سپس به جلال خود درآید؟» سپس از موسی و همه انبیا آغاز کرد و آنچه را که در تمامی کتب مقدّس درباره او گفته شده بود، برایشان توضیح داد.

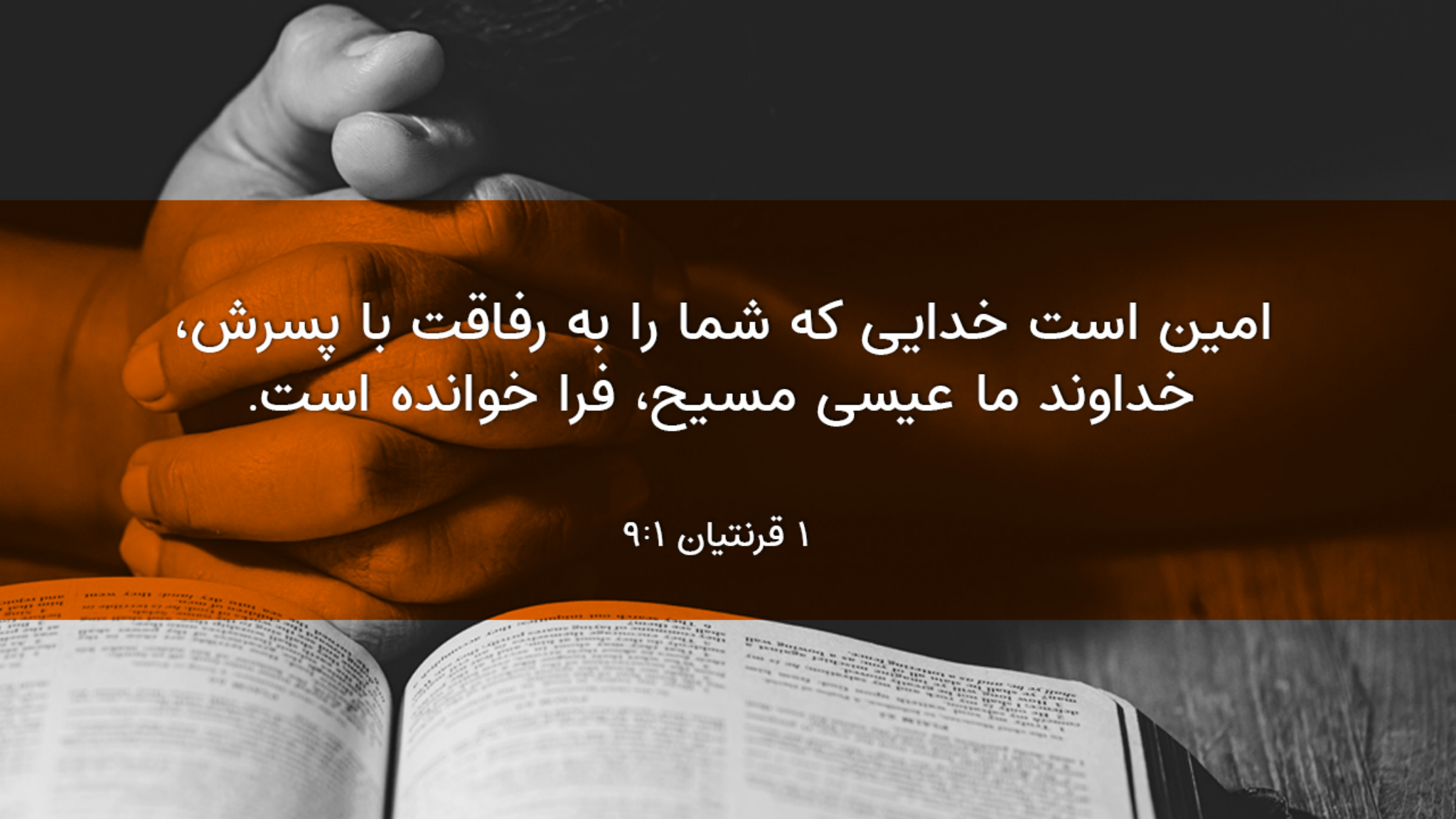
لوقا ۲۴: ۲۰-۲۷



چون به دهکده‌ای که مقصدشان بود نزدیک شدند، عیسی وانمود کرد که می‌خواهد دورتر برود. آنها اصرار کردند و گفتند: «با ما بمان، زیرا چیزی به پایان روز نمانده و شب نزدیک است.» پس داخل شد تا با ایشان بماند. چون با آنان بر سفره نشسته بود، نان را برگرفت و شکر نموده، پاره کرد و به ایشان داد. در همان هنگام، چشمان ایشان گشوده شد و او را شناختند، اما در دم از نظرشان ناپدید گشت. آنها از یکدیگر پرسیدند: «آیا هنگامی که در راه با ما سخن می‌گفت و کتب مقدّس را برایمان تفسیر می‌کرد، دل در درون ما نمی‌تپید؟» پس بی‌درنگ برخاستند و به اورشلیم بازگشتند. آنجا آن یازده رسول را یافتند که با دوستان خود گرد آمده، می‌گفتند: «این حقیقت دارد که خداوند قیام کرده است، زیرا بر شمعون ظاهر شده است.» سپس، آن دو نیز بازگفتند که در راه چه روی داده و چگونه عیسی را هنگام پاره کردن نان شناخته‌اند.

لوقا ۲۴: ۲۸-۳۵





امین است خدایی که شما را به رفاقت با پسرش،
خداوند ما عیسی مسیح، فرا خوانده است.

۱ قرن‌تیاں ۹:۱